

جستاری بر تفاوت و تشابه معاونت در جرایم زنا و لواط نسبت به جرم موجب حد قوادی و اداره یا برپایی مراکز فساد یا فحشاء در قانون مجازات اسلامی

محمدرضا شکردایی^۱ مجید متین راسخ^۲

^۱ گروه حقوق، دانشکده حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرقدس، شهر قدس، ایران Mrhrdadrad@gmail.com

^۲ دکتری حقوق جزا و جرم شناسی، قاضی بازنشسته، مدرس دانشگاه دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرقدس، شهر قدس، ایران (نویسنده مسئول)

m.matinrasekh@qodsiau.ac.ir

چکیده. درک و تمیز نوع جرایم از یکدیگر در فرآیند عدالت کیفری از جمله خصایصی است که دادرس می بایست در تفهیم اتهام و انتساب کنش جنایی به افراد در مظان جرم بدان اهتمام ورزیده و دقت عمل نماید. لذا بدین سبب سه جرم موضوع معاونت در زنا و لواط نسبت به جرم موجب حد قوادی و اداره یا برپایی مراکز فساد یا فحشاء از لحاظ رکن مادی و تعاریف قانونی چنان مشبه بهم اند که ممکن است پیرو وظیفه قانون تفهیم اتهام توسط او اشتباهی در خلل منتسب قانونی آن رخ دهد؛ چرا که سهولت در انجام جرم از حیث قاعده "تسهیل" اعمال شنیع نامبرده، به گونه ای است که نقش واسطه گری و فراهم سازی بر سه رفتار موصوف نقش بسته و هر یک را در صف واحد یک اتهام ولوء مشبه و مشتبه قرار میدهد. لیکن همواره نبایست آنها را خالی از وجه تفارق دانست؛ بلکه توجه به قواعدی چون مصداقی بودن جرم قوادی نسبت به عمومیت معاونت در زنا و لواط و همچنین توجه به نوع مباشرت، حصول قید و نتیجه مجرمانه، وصف زمان و مکان، استمرار و آنی بودن رفتار مجرمانه و سایر اوصاف و تمایلی می تواند ابزاری موثق و مطمئن در ید دادرس در جهت وظایف قانونی صدر السطر باشد. علیهذا پیرو این جستار در راستای سلب ثقل مفهوم و تجویز معلوم پژوهشی به عمل آمده که با گردآوری مفاهیم مورد اشاره در قالب این مقال معرفی می گردد.

کلیدواژه ها: قوادی، زنا، فحشاء، حد، قانون.

A Study on the Differences and Similarities between Aiding and Abetting in the Crimes of Adultery (Zinā (and Sodomy (Liwāt) Compared to the Ḥadd Crime of *Qawādī* and the Offense of Managing or Establishing Centers of Corruption or Prostitution under the Islamic Penal Code

Mohammad Reza Shekordaei¹, Majid Matin Rasekh²

1. Department of Law, Faculty of Law, Islamic Azad University, Shahre-Qods Branch, Shahre-Qods, Iran –
2. PhD in Criminal Law and Criminology, Retired Judge, Lecturer, Islamic Azad University, Shahre-Qods Branch, Shahre-Qods, Iran (Corresponding Author)

Abstract.

Understanding and distinguishing between different categories of criminal offenses is among the judicial competencies that a judge must carefully observe when explaining charges and attributing criminal conduct to defendants. In this regard, the three offenses of aiding and abetting in adultery (zinā) and sodomy (liwāt), when compared to the ḥadd crime of *qawādī* and the offense of operating or establishing centers of corruption or prostitution, are so similar in their material elements and statutory definitions that misclassification may arise during the judicial process. The underlying reason is that the ease of commission—arising from the principle of “facilitation” in enabling such immoral acts—causes the role of intermediary conduct and provision of means to appear common across these offenses, placing them superficially within a single category of accusation despite their nuanced distinctions. However, these offenses should not be regarded as devoid of key differentiating features. Paying attention to certain principles—such as the specific, defined nature of *qawādī* compared to the broader concept of aiding in adultery and sodomy, the type of perpetration, fulfillment of results required for criminal liability, temporal and spatial considerations, as well as whether the conduct is continuous or instantaneous—provides judges with reliable tools needed to fulfill their legal functions with precision. Accordingly, this study seeks to clarify the conceptual weight and provide scholarly insight by gathering and analyzing relevant legal and jurisprudential concepts within the framework of this article.

Keywords : *Qawādī*, adultery, prostitution, ḥadd punishment, law.

مقدمه

کنش های جنایی در ظاهر عملی رکن مادی؛ ممکن است وجه مشابه ای را از حیث ارتکاب و کسب نتیجه رفتار مجرمانه به خود گیرند. این شباهت ها به گونه ای است که در مواقعی درک و تمیز فی مابین آنها کاری چندان سخت بوده و موجب اشتباه در امر تصمیم گیری خواهد شد.

الفاظ محمول بر اعتبار حقوقی اند. لیکن در بیان زبان و کسب نظر یقینی و همچنین در وجه تفارق بین آنها بایستی توأمان با دقت تامل از دانش لازمه مکفی بهره مند بود. انتساب کنش جنایی به اشخاص به موجب اهلیت کیفری وفق تقابل واکنش جنایی آنها باید چنان عالمانه و هوشمندانه باشد تا سبب تزلزل عدالت و تضییع حقوق متهم نگردد. به همین جهت موضوع جستاری بر تفاوت و تشابه معاونت در جرایم زنا و لواط نسبت به جرم موجب حد قوادی و اداره یا برپایی مراکز فساد یا فحشاء در قانون مجازات اسلامی؛ بنا به اصل صراحت و تسهیل بیان و تمیز میان آنها بسی قابل تامل است.

سه رفتار شنیع مطرح در عنوان؛ از جمله اعمالی است که در بطن جوامع اسلامی و همچنین جامعه فعلی از دیرباز تا کنون به جهت تکریم عفت و پاسداری از حیاء انسان با سرزنش های متعدد و مکرری روبه رو بوده و همواره نیز چنان خواهد بود؛ هر چند که در جوامع مدعی سکولاریسم و آزادی بی قید این نوع رفتارهای شنیع مباح بوده و گاه به اسباب تجارت و حمایت قانونیشان تبدیل شده است. لذا قانونگذار با اقتباس از دستورات الهی در آیات و سوره های مبارکه قرآن کریم و همچنین احادیث نورانی اولیاء امر علیهم السلام و سایر طرق استخراج احکام متشرعه؛ توانسته در چند مفاد قانونی کتاب الحدود قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، کتاب کلیات و کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ (تعزیرات های بازدارنده) به جرم انگاری و تعیین کیفر آنها بپردازد. لیکن در این صراحت، اشارتی به وجه تفارق و تمایز وجود ندارد؛ فی الواقع اساس ثابتی در ید دادرس برای تمیز میان آنها در منابع معتبر حقوق اعم از قوانین، آیین نامه ها، آراء دکترین، عرف و... نیست؛ به همین سبب فقد قاعده کلی با حول محور تدقیق موشکافانه باعث شده که اصحاب و داخلین در دعوا با تشتت آراء و استدلال های گوناگون مواجه گردند. همین ازدیاد استدلال متضاد، موجب گردید که این موضوع از اهمیت به خصوصی در راستای تحریر و پژوهش بهره مند شود. همچنین با مذاقه در سبقه این عنوان در می یابیم که آنچنان که باید موضوع از سابقه پژوهشی مناسبی برخوردار نیست و هر چه که در این باره به قلم نگاشته شده صرفاً در باب تفویض اختیار به قاضی در جهت تمیز رفتارهاست؛ لیکن اینکه او چگونه و به چه نحوه و با استفاده از چه ابزاری می بایست آنها را بشناسد، همواره مجهول مانده است. به همین سبب، جهت تولید یک پژوهش و رویه ثابت با استفاده و اقتباس از منابع معتبر حقوقی از طریق روش کتابخانه ای و گفتمان با صاحب نظران حقوق با الهام از روش تجربی مقالی تحت این عنوان گردآمده که امید است مفید فایده قرار گیرد.

یافته ها

هیچ گمان نمی توان بدون تبیین موشکافانه موضوعات به جستار شباهت و تفاوتها پرداخت؛ لذا حسب الامر این مهم پیرو وجود مصادیق متشابه به مشروح هر یک می پردازیم.

معاونت در جرایم موجب حد زنا و لواط

این موضوع از حیث تعریف؛ وضع قانونی معینی از ناحیه واضع قانونی در قانون مجازات اسلامی و سایر قوانین مصوب ندارد، لذا قانونگذار حسب ماده ۱۲۶ قانون مآرا الذکر به بیان حالات و مصادیق آن پرداخته است.

معاونت در جرم، تجلی رفتار شخصی است که بدون مداخله در عملیات اجرایی ولی با وحدت قصد مجرمانه نسبت به مباشر جرم، او را در ارتکاب عنصر مادی جرم مساعدت می نماید. فی الواقع معاون جرم شخصی غیر از فاعل مادی جرم بوده که دیگری (مباشر) را از طریق ترغیب، تهدید، تطمیع یا تحریک به ارتکاب جرم سوق می دهد؛ که در باطن عمل مجرمانه هر دوی آنها (معاون و مباشر) بر وحدت قصد خصمانه واحد استوار اند. همچنان است اگر کسی وقوع جرمی را برای شخص دیگری تسهیل نماید یا وسایل ارتکاب جرم را بسازد یا شیوه تحقق و ارتکاب جرم را به او (مباشر) بیاموزد معاون در جرم محسوب می گردد.

با این تعریف می باید چنین استنباط نمود، در جرایم موجب حد زنا و لواط چنانچه شخصی از طرق و روشهای تحت الذکر پیرامون حالات معاونت، دیگری را به راستای زنا یا لواط مساعدت نماید، معاونت در این جرایم نموده است. مانند اینکه دیگری را تحریک به زنا کند یا در جهت لواط او را تهدید نماید. علیهذا مقتبس می گردد؛ حالات و نحوه معاونت در زنا و لواط اعم از کلیه مصادیق ماده ۱۲۶ ق.م.ا بوده که در آخر الامر موضوع پیرو تعقیب کیفری حسب مورد، مستفاد از ماده ۱۲۷ ق.م.ا طی نوع زنا یا لواط برای او مجازات تعیین میگردد.

جرم موجب حد قوادی

جرم موجب حد قوادی یا قیادت طی وضع قانونی در ماده ۲۴۲ کتاب الحدود قانون مجازات اسلامی به معنای بهم رسانی دو یا چند نفر برای انجام عمل زنا یا لواط تعریف گردیده است. این جرم مقید به نتیجه بوده و آنآ به حصول زنا یا لواط به منصفه وقوع و ظهور می رسد. شهید ثانی (ره) در این باره میفرماید: الْقِيَادَةُ الْجَمْعُ بَيْنَ فَاعِلِي الْفَاحِشَةِ مِنَ الزَّنا وَاللَّوَاطِ وَالسَّحْقِ. با این تفسیر بنظر می رسد در مواردی که شخصی سایرین را برای ارتکاب سایر جرایم منافی عفت به هم برساند، رفتار او قوادی به شمار نمی رود. همچنین در باب مجازات این جرم به عنوان یک واکنش کیفری حدی ماده ۲۴۳ ق.م.ا چنین اشعار داشته: حد قوادی برای مرد هفتاد و پنج ضربه شلاق است و برای بار دوم علاوه بر هفتاد و پنج ضربه شلاق به عنوان حد، به تبعید تا یک سال نیز محکوم می شود که مدت آن را قاضی مشخص می کند و برای زن فقط هفتاد و پنج ضربه شلاق است.

با این توضیح اجمالی چنان مقتبس می گردد که قوادی نوعی واسطه گری و شرط پیمان نامشروع لواط و ملوط یا زانی و زانیه قلمداد می گردد؛ به سانی که اگر او نبود اعمال شنیع زنا یا لواط ظهور به نتیجه نمی رسانید.

جرم اداره یا برپایی مراکز فساد و فحشاء

این جرم طی اشاره مصداقی در ماده ۶۳۹ ق.م.ا در بخش تعزیرات مصوب سال ۱۳۷۵ بر خلاف قوادی که ساده و بسیط به شمار می رود؛ جرم اعتیادی (به عادت) و مطلق است؛ به نحوی که در آن مقید حصول نتیجه خاص شرط نبوده و صرف انجام رکن مادی جرم، بزه صدر الذکر به وقوع می پیوندد. همچنین عبارات فساد یا فحشاء در بند الف ماده قانونی مآلذکر تنها مشعر بر زنا یا لواط نیست و سایر اعمال شنیع مفسده آمیز و نامشروع نیز می تواند مصداق چنین جرمی باشد. مضافاً مقتبس از عبارتی چون "مرکز" و "محل" بنظر میرسد قید مکان شرط وسیله جرم بوده و عبارات دایر یا اداره اشاره بدین موضوع داشته که مرتکب می بایست رفتار موضوع بند الف ماده ۶۳۹ ق.م.ا را لااقل دوبار انجام دهد. همچنین با مذاقه بر بند ب همان ماده قانونی؛ بنظر می رسد صرف تشویق یا فراهم سازی موجبات زنا یا لواط برای احدی، بر حسب مقید واژه "مردم" نمی تواند مصداقی بر این بزه باشد و می بایست رفتار را در معاونت آن جرایم جست. لیک سوال است که اگر چنین رفتاری محمول بر صدق عنوان قوادی باشد چه نتیجه ای بایست گرفت؟ مقنن در چنین مسئله ای در تبصره همان ماده چاره ای اندیشیده و چنان وضع نموده که هرگاه بر عمل فوق عنوان قوادی صدق نماید علاوه بر مجازات مذکور حد قوادی نیز مجری و مورد حکم خواهد بود. در آخر الامر موضوع مقنن با حبس بین ۱ الی ۱۰ سال به چنین رفتار شنیعی پاسخ متناسب داده است.

تفاوت و تشابه

با بیان تعاریف مطروحه تا حد وسیعی تفاوت و تشابه مورد نظر هویدا میگردد. معاونت در زنا و لواط نسبت به جرم موجب حد قوادی، عنوانی اعم بوده و عناوین و مصادیق بیشتری را شامل میگردد. بدین نحو که بایست قوادی را شاخه ای از مصادیق معاونت در زنا یا لواط نامید، اما قانونگذار با اقتباس از شرع موجود و اهمیت قابل توجه چنین رفتاری از باب تسهیل وقوع جرم و ایجاد واسطه گری به نحو مجزا، آن را بصورت مستقل در قالب جرم موجب حد قوادی بررسی نموده است. بدین غایت چنانچه که مرتکب سهولت انجام کار از جهت واسطه گری، بهم رسانی و معرفی طرفین برای زنا یا لواط را انجام دهد؛ رفتار او محمول بر عنوان قوادی خواهد بود. در این خصوص توجه به یکی از نظریات مشورتی اداره کل حقوقی قوه قضاییه به شماره ۳۱۴۹/۹۷/۷ به تاریخ ۱/۴/۱۳۹۸ خالی از فایده نیست. کما اینکه قواد نیز می تواند طی انجام عنصرمادی جرم از ناحیه فعل ثالث دارای معاون جرم نیز باشد، مانند کسی که دیگری را تطمیع به انجام قوادی می کند.

همانطور که از تعریف قوادی در ماده ۲۴۲ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ و کلام فقها آشکار است، قیادت عبارت است از به هم رساندن یا واسطه شدن میان دو یا چند نفر برای ارتکاب زنا یا لواط؛ بنابراین در فرضی که عنصر

رضایت و آگاهی و اختیار وجود نداشته باشد، مانند زنا یا به عنف، موضوع قابل انطباق با جرم قوادی نیست. پس یکی از شروط اصلی قیادت وجود اختیار در طرفین زنا یا لواط است و الا موضوع از حیث محتوا خارج از قوادی و مطرح در معاونت در آنها خواهد بود. همچنین ممکن است رفتاری از جهت تعریف بر هر دو عنوان قوادی و معاونت در زنا یا لواط محمول باشد؛ لیکن نمی توان قواعد تعدد جرم را پیرامون آن جرایم مجری دانست؛ بلکه بایست گفت اگر رفتاری عیناً بر هر دو عنوان فوق منطبق باشد، اولویت اجراء از حیث آثار و اهمیت جرم با مجازات و احکام قوادی است و دیگر نوبت به تعقیب مرتکب از حیث مجازات معاونت در زنا و لواط نمی رسد. پس در این خصوص دادرس چنان استنتاج می نماید که اگر رفتاری به خود چهره رضایت طرفین (لاط و ملوط؛ زانی و زانیه) گیرد و همچنین فعل مادی مرتکب حامل بر بهم رسانی، معرفی و یا واسطه گری و ایجاد ارتباط بین آنها باشد؛ عنوان اتهام منطبق با جرم موجب حد قوادیست؛ ولیکن اگر رفتار مادی او حمل بر سایر قیود و طرق فی المثل تحریک، تهدید و... باشد، رفتار و نوع اتهام را می بایست در معاونت در آن جرایم جستجو نماید.

موضوع آخر وجه تفارق و تشابه معاونت در زنا و لواط و جرم موجب حد قوادی نسبت به جرم موضوع ماده ۶۳۹ کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی (اداره یا برپایی مراکز فساد و فحشاء) است. به موجب این ماده کسی که مراکز فساد یا فحشاء را دایر یا اداره کند و یا مردم را به آنها تشویق نماید؛ به حبس از یک تا ده سال محکوم خواهد شد. حال مسئله مهم وجه تفارق این رفتار با دو جرم سابق الذکر است. تفاوت نخست را می بایست در غایت رفتار مجرمانه جستجو نمود؛ به موجب ماده ۱۲۶ ق.م.ا و تبصره یک ماده ۲۴۲ همان قانون، شرط تحقق معاونت در زنا یا لواط و جرم قوادی تحقق آن دو عمل شنیع بین طرفین است؛ فی الواقع مادامی که زنا یا لواط محقق نگردد نبایست متهم را قواد یا معاون در زنا یا لواط نامید. ولیکن جرم موضوع ماده ۶۳۹ ق.م.ا مطلق بوده و به صرف انجام رفتارهای مادی سابق الذکر به وقوع می پیوندد. تفاوت دوم اتکا به جنبه های مکانی جرایم نامبرده است؛ به موجب صدر الذکر ماده ۶۳۹ ق.م.ا تخصص محل (مکان) به دایر یا اداره کردن مراکز فساد یا فحشاء شرط مقتضیست؛ به گونه ای در قوادی و معاونت در زنا یا لواط چنین شرطی ملاک انجام جرم نخواهد بود. همچنین طی مطالب سابق الذکر جرم موصوف بر ماده ۶۳۹ ق.م.ا به عادت بوده و به صرف انجام یکباره رفتار، اتهام محمول نمی گردد، لیکن فی الباب آن دو جرم دیگر به صرف انجام رفتار مادی حتی تنها برای یکبار، جرم به وقوع می پیوندد. تفاوت بعدی را می بایست ذیل موضوعیت آن جرایم بررسی نمود، جرم موجب حد قوادی و معاونت در زنا یا لواط محصور به این دو جرم جنسی است، لذا جرم موضوع ماده ۶۳۹ ق.م.ا بر مصادیق عدیده ای اطلاق داشته و تنها محصور به انجام زنا یا لواط نیست. مانند برپایی مرکز جهت مصرف شرب خمر. حال ممکن است مرتکب جهت سازمان دهی قوادی، مکانی را به این امر اختصاص داده و باعث بهم رسانی زنا یا لواط در آن شود؛ در این صورت تبصره ماده ۶۳۹ ق.م.ا

مقرر میدارد، هرگاه بر عمل فوق، یعنی اداره یا برپایی مراکز فساد یا فحشاء عنوان قوادی صدق نماید، علاوه بر مجازات مذکور در این ماده، مرتکب به مجازات قوادی نیز محکوم خواهد شد.

علی ای حال در خاتمه کلام باید عرض نمود، جرایم شاید به صرف ارتکاب شبیه به یکدیگر باشند، اما ظرافت قانون به نحوی است که نباید آنها را باهم یکی دانست. موارد مطروحه با دقت نظر خوانندگان گرامی ضوابط تمیز میان این سه جرم را آشکار ساخته و مجهولات وارده به این مسئله را رفع می نماید.

نتیجه گیری

بی درنگ هر جرم مشابه ای خالی از تفاوت نیست، بلکه دقت در جزئیات از حیث موضوع، نتیجه، قید مکان، طریق ارتکاب، دایره شمول و سایر قرائن می تواند مصداقی بر هویدا سازی تفاوت فی مابین آنها باشد. معاونت در زنا و لواط ضابطه ای گسترده بر مبنای طرق ارتکاب ماده ۱۲۶ ق.م.ا است؛ کما اینکه جرم موجب حد قوادی تنها به غایت واسطه گری از جهت تسهیل وقوع جرم تحت عنوان یک جرم خاص به نحو مجزا جرم انگاری گردیده است. همچنین بنظر می رسد قوادی می بایست در رفتار دو طرف موثر واقع گردد، به گونه ای که طرفین با رضایت و اختیار تام توسط واسطه گری قواد جهت انجام اعمال شنیع زنا یا لواط بهم معرفی گردند، پس نتیجتاً تاثیر انفرادی بر رفتار احدی جهت انجام اعمال فوق نمی تواند موجب به نتیجه رسیدن چنین جرمی باشد؛ بلکه رفتار از نگاه معاونت در زنا یا لواط قابل پیگیری است. همچنین از حیث وجه تفارق نسبت به جرم موضوع ماده ۶۳۹ ق.م.ا بخش تعزیرات بایستی چنین عرض نمود قید مرکز، محل یا مکان در این جرم شرط بوده و مرتکب حتماً می باید نسبت بدین مکان آن را دایر یا اداره نموده باشد، بنابر این چنان مقتبس می گردد که صرف انجام رفتار واحد و تعلق مکان یا مرکزی به صرف یکبار برای فساد یا فحشاء نمیتواند موضوع این جرم بوده و حسب مورد قوادی یا معاونت در زنا یا لواط است. همچنین با مذاقه بر مصادیق متعدد فساد و فحشاء این جرم ضابطه ای اعم از زنا و لواط داشته و بر سایر موضوعات نیز ممکن است تجلی یابد.

التهیه چنان مقتبس می گردد این مقال منحصرأً به نحو تخصصی به وجه تمایز موضوع تحقیق پرداخته و طرق مناسبی جهت تمیز ارکان جرایم مطرح به دادرسان ارائه نموده است؛ لذا با مذاقه بر آراء دکترین و رجوع به عرف تخصصی و همچنین تولید یک رویه ثابت در جهت جلوگیری از تشتت آراء و استنتاج تفاسیر گوناگون قضایی، توجه به این موضوع و نگاشته، در قالب منابع کتابخانه ای دادرسان، مفید فایده بنظر می رسد.

منابع و مأخذ

- صیادی، مهدی، ۱۴۰۱، متون فقه پیشرفته، چاپ اول، کمک آزمون عدالت گستر جم
اردبیلی، محمدعلی، ۱۳۹۷، حقوق جزای عمومی جلد دوم، چاپ پنجاهم، انتشارات میزان
امن زاده، بهرام، ۱۴۰۳، متون فقه جامع، چاپ سوم، انتشارات توازن
کامفر، بهداد، ۱۴۰۳، دوره پیشرفته حقوق جزای عمومی و اختصاصی، چاپ شانزدهم، انتشارات اندیشه نوین پژوهش

نوربها، رضا، ۱۳۹۰، زمینه حقوق جزای عمومی، چاپ سی و دوم، انتشارات گنج دانش
گلدوزیان، ایرج، ۱۴۰۰، محشای قانون مجازات اسلامی، چاپ دهم، انتشارات مجد
منصورآبادی، عباس، ۱۳۹۷، کلیات حقوق جزا، چاپ چهاردهم، انتشارات میزان
غفوری، احمد، ۱۳۹۹، شرح آزمون قانون مجازات اسلامی، چاپ پنجاه و پنج، انتشارات آریاداد

References

- Seyyadi, Mehdi. (2022). Advanced Fiqh Texts, 1st Edition, Edalat Gostar Jam Publications. [in Persian]
- Ardabili, Mohammad Ali. (2018). General Criminal Law, Vol. 2, 50th Edition, Mizan Publications. [in Persian]
- Amanzadeh, Bahram. (2024). Comprehensive Fiqh Texts, 3rd Edition, Tavazon Publications. [in Persian]
- Kamfar, Behdad. (2024). Advanced Course in General and Specific Criminal Law, 16th Edition, Andisheh Novin-e Pouyesh Publications. [in Persian]
- Nourbaha, Reza. (2011). Foundations of General Criminal Law, 32nd Edition, Ganj-e Danesh Publications. [in Persian]
- Goldouzian, Iraj. (2021). Annotated Islamic Penal Code, 10th Edition, Majd Publications. [in Persian]
- Mansourabadi, Abbas. (2018). Introduction to Criminal Law, 14th Edition, Mizan Publications. [in Persian]
- Ghafouri, Ahmad. (2020). Exam-Based Commentary on the Islamic Penal Code, 55th Edition, Ariyadad Publications. [in Persian]